

نگاهی به ارتباط و وظایف متقابل مساجد و جوانان

مسجد من، مسجد تو

فهیمة مؤذن، ملیحه سلطانی- جوان های امروزی چقدر مسجد می روند؟ پاسخ های مختلف و متنوعی به این سوال وجود دارد اما کمابیش همه معتقدند حضور جوانان در مساجد آن طور که باید و شاید، پررنگ نیست و عوامل زیادی دست به دست هم داده است تا این حضور، کمی بی رمق باشد. تعدادی از این دلایل، به فضا و حال و هوای فعلی مساجد برمی گردد و تعدادی هم شاید به مشغله های درسی و کاری و شخصی و خانوادگی و حتی سلیقه جوانان این روز ها. مسجد، از زمانی که به عنوان نخستین عبادتگاه مسلمانان ساخته و شناخته شد، همواره در طول تاریخ، در حکومت های اسلامی و کشور های مسلمان، نقش زیربنایی و اساسی در مدیریت امور اجتماعی داشته است. مساجد فارغ از جایگاه معنوی و عبادی، به عنوان پایگاهی اجتماعی برای رسیدگی به امور روزمره زندگی مردم هم شناخته می شد. قضاوت و دادخواهی، علم آموزی، جمع آوری کمک های خیر خواهانه، برنامه ریزی برای فعالیت های سیاسی و مبارزاتی و... همه از فعالیت هایی است که در مسجد سازماندهی می شد. به دلیل همین کارکردها، مسجد از قدیم باعث تقویت روحیه اجتماعی و همبستگی مردم بوده و از این رو همیشه ارتباط جوانان با این پایگاه مهم دینی، مورد توجه است. لذا در این پرونده از ضرورت و راهکارهای پیوند جوانان با مساجد حرف زدیم. نظرات جوانان مسجدی و غیرمسجدی را جویا شدیم و با یک امام جماعت متفاوت هم گفت و گو داشتیم. با ما همراه باشید.

گفت و گو با جوانان برای رسیدن به پاسخ یک سوال:

مسجد جوان پسند چه ویژگی هایی دارد؟

■ در مساجد، به اعیاد و جشن ها توجه شود

حول و حوش ساعت دو و نیم است. پارک به خاطر سردی هوا خلوت است. در گوشه و کنار، افرادی روی نیمکت ها نشسته اند و تعدادی هم ورزش می کنند. در نمازخانه پارک باز است. از عطیه و مائده هر دو دانشجوی گرافیک اند و در نمازخانه نشسته اند، سوالم را می پرسم. عطیه می گوید: «به نظر من برای اینکه جوان ها رغبت بیشتری برای مراجعه به مساجد داشته باشند، مساجد باید به برگزاری اعیاد و جشن ها هم مثل ایام شهادت و عزاتوجه کنند. شاید یکی از دلایل جذب نشدن برخی جوانان به مسجد، این است که آنها دنبال سرگرمی و هیجان و تفریح اند و اتفاقا مساجد برای این جور مسائل، برنامه خاصی ندارند و اهمیت نمی دهند.»

■ مسجد: زمینه ای برای ورزش و تفریح

امیر که ۱۹ ساله و دانشجوی مددکاری است، می گوید: «اگر مساجد امکانات ورزشی و تفریحی داشتند، خیلی جالب می شد. مثلا زمینی برای فوتبال و والیبال یا میزی برای تنیس. ضمن اینکه بد نیست هیئت امنای مسجد برای مدیریت مسجد از نظر و ایده های جوانان هم استفاده کند. مثلا چند وقت پیش در مسجد ما، بخش عمده ای از ایده ها و امور برگزاری یک مراسم جشن، به جوان ها سپرده شد و همه چیز بهتر از همیشه بود.»

■ همجواری خوف ورجا

زینب که ۲۳ ساله و دستیار دندانپزشک است، معتقد است: «امام جماعت مسجد باید بتواند با جوانان ارتباط موثر برقرار کند و انعطاف پذیر باشد نباید طوری صحبت کند که جوانان، مایوس و دلزده شوند. الان به نظرم جوانان جذب برخی مساجد نمی شوند چون به طور معمول روی منبرها، از خدا می ترسانندشان که مثلا: اگر نماز نخوانی، به جهنم می روی. این خوب نیست. بهتر است در کنار خوف، رجا و امید هم به جوان تزریق کنیم و طوری صحبت شود که جوان نه از سر ترس از عذاب که با علاقه و اشتیاق به سمت خدا حرکت کند.»



■ سالمندان از سر خیرخواهی، به جوانان گیر ندهند

مائده که ۲۱ سال دارد و یک سالی است در پایگاه بسیج یکی از مساجد هاشمیه فعالیت می کند، می گوید: «من چون در بسیج مسجد فعالم، زیاد به مسجد می روم. مادرم تعریف می کند در قدیم، مساجد مکانی صرفا برای عبادت نبود و در کنار نماز های جماعت، برنامه های مختلفی در مسجد برگزار می شد و از همه قشری، پیر و جوان و کودک، به مسجد می آمدند. منتها الان فضای مساجد جواری شده که بعضی از دوستانم که قبلا مسجدی بودند، دیگر به مسجد نمی آیند. چون برخی خانم های من به بهانه های مختلفی، به جای امر به معروف و نهی از منکر محترمانه و مهربانانه، به اصطلاح به جوانان گیر می دهند. اگر این موضوعات جزئی که قطعا از سر خیرخواهی است اما بد تعبیر می شود، کنترل شود، مطمئن باشید جوانان با روحیه و انگیزه بهتری به مساجد مراجعه می کنند.»



■ محلی برای پاسخ به شبهات و حل مشکلات

امید جعفرنژاد که ۲۶ ساله و کارشناس نرم افزار است، درباره ویژگی های یک مسجد جوان پسند می گوید: «مساجد جایی صرفا برای اقامه نماز نباشد. در مساجد دوره ها و کارگاه های آموزشی بگذارند. ماهی حداقل یک نفر از مسئولان شهر و استان یا چهره های فرهنگی به مساجد دعوت شوند و حرف های جوانان را بشنوند. در مساجد، علمایی حضور داشته باشند که بتوانند به سوالات و شبهات دینی جوانان، پاسخ صحیح بدهند تا ابعاد گوناگون دین را با دلیل و منطق بپذیرند. مساجد باید به کانونی برای حل مسائل جوانان مثل کار، ازدواج و تحصیل تبدیل شوند و در مسجد هر منطقه، مشاورانی برای حل مشکلات خانواده ها و جوانان خدمات ارائه دهند.»



■ یک پناهگاه امن با حرف های پهلر

ساعد احمدآبادی که دانشجوی کامپیوتر و بازیاب است، چند پیشنهاد مطرح می کند: «اول اینکه در مساجد نه فقط در اوقات نماز جماعت، بلکه در ساعات دیگر روز هم باز باشد و مساجد به نوعی مامن و پناهی برای جوانان به حساب بیاید. دوم این که امامان جماعت، سعی کنند حرف ها و بحث ها و نکات کارپردی به روز را بر منبر مساجد مطرح کنند. من مدتی مرتب به مسجد نزدیک منزل مان می رفتم اما به این دلیل که دیگر حرف جدیدی در صحبت های امام جماعت نشنیدم، ادامه ندادم. مساجد می توانند در فضا های مجازی هم که برای جوانان جذاب است، فعال باشند و برنامه هایشان را از این طریق، اطلاع رسانی کنند. خوب است که به رسم قدیم، برای بچه های مسجدی اردوهای تفریحی و نه صرفا زیارتی برگزار شود. ضمن اینکه رفتار مسجدی ها هم در جذب بقیه خیلی موثر است؛ اینکه من ببینم مسجد رفتن و نماز خواندن تاثیر عمیقی در اخلاق و رفتار آن فرد داشته است.»



حجت الاسلام سرلک از وظایف جوانان در قبال مساجد می گوید

جوانان با حضورشان در مساجد، ضعف ها را برطرف کنند!

مهم ترین کاری که جوانان می توانند برای تحول در مساجد انجام دهند، حضور مداوم است. نفس حضور جوانان در مساجد، امید، پویایی و شادابی می آورد. مهم ترین نکته این است که جوانان به برگزاری نماز جماعت در مساجد، اهتمام داشته باشند. موضوع بعدی مشارکت در طراحی و برگزاری برنامه های مساجد است؛ بزرگداشت مناسبت ها، تشکیل کانون های فرهنگی، راه اندازی صندوق های قرض الحسنه، ترتیب دادن اردوهای جهادی و تفریحی و ایجاد فعالیت های مفید و جذابی مثل جلسات پرسش و پاسخ، مسابقات کتابخوانی، مسابقات هنری و ورزشی، کمک های درسی جوانان تحصیل کرده به بچه های ضعیف تر و... باید خود جوانان، باینند پای کار و میداندار باشند و حتی از طریق مسجد، محله را مدیریت کنند و با پایگاه قرار دادن مسجد، به مشکلات اقتصادی و خانوادگی همسایگان مسجد و اهالی محله رسیدگی کنند. مسجد فضای پاکیزه دارد و پاکیزگی و طهارت، رزق کسانی است که با مسجد انس دارند. مساجد در این آشوب بازار آسیب های اجتماعی، پناهگاه امنی است به شرط اینکه هیئت امناء، امام جماعت و خادم مسجد نسبت به جوانان ملاطفت نشان دهند.»



گفت و گو با محمد نورانی، امام جماعت و معلم محبوب این روزها

رابطه جوانان با مساجد

برفکی و سیاه سفید است!

ماجرای انتشار یک عکس در فضای مجازی شروع شد؛ عکسی که با تحسین کاربران همراه شد. تصویر یک طلبه که در راهروی یک بیمارستان، روی زمین نشسته و از پشت شیشه اتاق آنکولوژی، در حال تدریس به یک کودک بیمار است. با پرس و جوی بیشتر متوجه شدیم صاحب این عکس، «محمد نورانی»، امام جماعت امامزاده «اهل بن علی» تهران است. امام جماعتی که شاید بتواند پاسخگوی سوالات ما درباره ویژگی های یک مسجد جوان پسند باشد. گفت و گوی ساده و صمیمی ما با او، نکات جالبی دارد.

■ کمی از خودتان بگویید.

محمد نورانی هستم، متولد ۱۳۶۸. حدود ۴ سال است که امام جماعت هستم و در یک مدرسه غیرانتفاعی هم تدریس می کنم.

■ ماجرای عکسی که در فضای مجازی از شما منتشر شد، چه بود؟

شاگردم محمدمهدی، از آن دسته بچه هایی است که بیان رسا و شیرینی دارد و با همه معلم هایش ارتباط خوبی برقرار می کند. یک روز حالش بد می شود و وقتی پیگیر می شونم، متوجه می شونم متأسفانه به سرطان خون مبتلاست. محمدمهدی را خیلی دوست داشتم و وقتی فهمیدم بیمار شده درایم خیلی سخت بود و بیشتر روز ها به عیادتش می رفتم. این عیادت هم ربطی به معلم یا روحانی بودنم ندار؛ یک حس و علاقه شخصی است. چون دوستش داشتم، دلم می خواست کاری کنم تا روحیه اش بهتر شود. ماجرای عکس هم این بود که یک روز نشسته بودیم و حرفو الفبا را با هم مرور می کردیم؛ هم درس و تمرین بود و هم بازی و سرگرمی. یک خانمی آمد و پرسید: «شما پدرش هستین؟» گفتم نه من معلمش هستم. رفت و کمتر از یک دقیقه بعد برگشت و یک عکس گرفت. گفت: «راضی باش. عکس گرفتم». همین. من اصلا نمی دانستم این عکس قرار است در شبکه های مجازی منتشر شود.

■ به عنوان یک امام جماعت جوان، با نوجوانان و جوانانی که به مسجد می آیند، چطور ارتباط برقرار می کنید؟

سعی می کنم سبک صحبت و رفتارم، سبک حوزه و طلبگی نباشد؛ راحت و خودمانی حرف بزنم و رفتار کنم تا فاصله ای بین من و خودشان احساس نکنند.

■ به عنوان یک روحانی معلم، از نحوه ارتباطتان با بچه ها در مدرسه بگویید؟

من ناظم مدرسه هستم. راستش وقتی خودم بچه بودم، ارتباط گرفتن با ناظم مدرسه برایم سخت بود اما الان دانش آموزانم با من راحت و صمیمی اند. آفتخر که خودم تجربه کردم و اطرافیان تایید می کنند، رابطه ام با بچه ها دوستانه و رفاقتی است! به شوخی به بچه ها می گویم: «من ناظم نیستم، کاظم!» یعنی قرار نیست عصبانی شوم؛ قرار است کظم غیظ کنم. بچه ها را خیلی دوست دارم و این ارتباط، دو طرفه است خدا را شکر. گاهی بچه ها می آیند و شخصی ترین مسائلشان را با من در میان می گذارند. مثلا دانش آموزان سال قبل که به سن بلوغ نزدیک شده بودند، راحت می آمدند و سوالاتشان را می پرسیدند یا اگر خارج از مدرسه دوستی هایی با جنس مخالف داشتند، با من مطرح می کردند.

■ به نظر شما رابطه الان جوانان با مساجد چگونه است و چطور باید باشد؟

رابطه الان جوانان با مسجد، یک مقدار بر فرفکی است؛ یعنی جوانان، نگاهشان به مسجد، سیاه و سفید است و با توجه به دنیای رنگی بیرون و حتی فضای مجازی، کمتر جذب مسجد می شوند. عده ای از جوانان با فعالیت های مذهبی میانه ای ندارند و به مسجد نمی آیند، عده ای دیگر هم که مذهبی اند، به بهانه های مختلف مثل اینکه «در مسجد نمی شود جشن گرفت و دست زد» بیرون از مسجد هیئت می زنند و حسینی، زینبیه و مهدیه را می اندازند. نمی گویم این ها نباشند ولی مسجد از همه این ها مهم تر است.

■ ایده شما برای جذاب تر شدن فضای مساجد و تشویق جوانان به مسجدی شدن چیست؟

جلسه! یعنی دور هم نشستن و حرف زدن با محتوای قوی و جذاب و شکستن یک سری سنت ها. یعنی حتما نباید سخنران بنشینند روی صندلی و منبر و پشت میکروفن، به سبک رایج سخنرانی کند. خیلی راحت بنشینند روی زمین، عیایش را هم در بیارود و با جوان ها صمیمانه حرف بزنند. از پوشش روحانیت نباید فاصله گرفت ولی یک جاهایی برای اینکه رابطه بهتری شکل بگیرد، اشکالی ندارد. در چنین جلساتی، پاسخ به سوالات نباید حالت توصیه ای داشته باشد و بهتر است توصیفی باشد. وقتی برای جوان مطلب را توصیف می کنی، قبول می کند. همان کاری که خدا با ما کرد. به علایق جوانان توجه شود؛ یعنی همان ها که در روضه ها با هم گریه می کنند، با هم برنامه ورزش و تفریح هم داشته باشند. امام جماعت مسجد، تاریخ تولد جوانان را بداند و روز تولدشان، تبریک بگوید و هدیه دهد. خلاصه باید فضا، راحت و صمیمی و دوستانه باشد و دل جوان را خوش کند.